

تصویر شادمانی و قدرت ایران را خراب نکنیم



مهرداد احمدی‌شیخانی

روزنامه نگار

ما تر جیح می‌دهیم چه تصویری از ایران به تمامی جهان مخابره شود؟ این «ها» که می‌گویم یعنی همه ما، چه مردم عادی و چه صاحبان قدرت و ساختار حاکمیت، به همین چندماه پیش برگردیم و جنگ ۱۲ روزه، تصویر ایران در آن جنگ چه بود؟ آیا غیر از اینکه به‌رغم تهاجم تمام‌قد آمریکا و اسرائیل به کشورمان و پشتیبانی کشورهای اروپایی از این تهاجم، ایرانیان یکپارچه‌ماندند و نقشه‌های آنان نقش برآب شد؟ مگر نه اینکه این دشمنان از روز اول جنگ، مردم میهن‌مان را دعوت به شورش می‌کردند و این دعوت پاسخی نگرفت و مگر همین اتحاد نبود که سبب ورود سرود «ای ایران» به نوحه‌خوانی‌ها شد؟ حالا این تصویر که دشمنان را ناامید کرد را مقایسه کنیم با تصویری که در اعتراضات ۱۴۰۱ از ایران به جهان مخابره شد؟ کدامیک از این دو تصویر دشمنان این خاک را به طمع می‌اندازد و کدامیک افسرده‌وناامیدشان می‌کند و منطقاً، ما و دیواره تأکید می‌کنم که منظورم از ما یعنی همه ما، تر جیح‌مان مخابره کدامیک از این دو تصویر به جهان است؟ کدامیک از این دو تصویر ایران را قدرتمند و کدامیک ایران را درگیر اختلاف و مشتت و ناتوان نشان می‌دهد؟ و اصلاً این پرسیدن دارد؟ خب وقتی جواب معلوم است، تلاش ما باید چه باشد و قدرت ایران در کدام تصویر متجلی می‌شود؟ تصویری که ایرانیان را در تعارض با ساختار نشان بدهد یا ساختار را همراه و هم‌جهت با مردم؟ انگار باز هم سوالی پرسیدم که جوابش کاملاً روشن و معلوم است؛ اما واقعیت روی زمین، انگار چیز دیگری را نشان می‌دهد و به نظر می‌رسد پاسخ سوالی به این روشنی، برای برخی، اصلاً هم روشن نیست.

چرا این را می‌گویم و چه دلیلی بر این دارم که این سوالی که پاسخش روشن به نظر می‌رسد، هر روز شواهدی عیان می‌شود که انگار عده‌ای، آن هم عده‌ای که دستی در ساختار قدرت دارند، این پاسخ روشن را نمی‌دانند. برای روشن شدن منظوم هم گویا شاهد از غیب رسید، جمعه‌ای که گذشت، یعنی دو روز پیش، مسابقه دو مارا تن در کیش برگزار شد؛ مسابقه‌ای که تصویری قدرتمند از ایران به جهان مخابره کرد؛ مسابقه‌ای که در آن، ۵۲۰۰ زن و مرد، قدرتمند و پرتوان یک تصویر واحد را به جهان مخابره می‌کردند. این تصویر که ما مردمی شاد و زنده هستیم؛ که ما به‌رغم همه تحریم‌ها،

به‌رغم همه رنج‌ها و مشقت‌ها و به‌رغم تمامی نقشه‌ها و توطئه‌ها، و با وجود جنگ با قدرتمندترین کشور همه تاریخ، همچنان شادیم. چنانکه دیروز نیویورک‌تایمز با تیترو عکسی در صفحه یک روند تحولات جامعه ایران را چنین تفسیر کرد: «شادی ایران را در بر می‌گیرد» آیا با این تعبیر زیبا از ایران آن هم در یکی از معروفترین نشریات جهان مشکلی داریم؟ آیا غیر از این می‌خواهیم که با وجود این همه مصائب که بر ایران وارد کرده‌اند، نتوانستند ما را بشکنند و نه تنها نتوانستند ما را بشکنند که فقط چهار ماه بعد از حمله دو قدرت اتمی به ایران، ما با شادمانی تمام، نشان می‌دهیم که یک کشور و یک ملت زنده ایم. یا گزارش خبری یورونیوز با عنوان «مارا تن کیش؛ مسابقه‌ای که هزاران دوندۀ ایران را دور هم جمع کرد».

کدامیک از دو خبری که اشاره کردم، تصویری مخرب از ایران را به جهانیان عرضه می‌کند؟ کدام ایرانی از دیدن این دو خبر می‌تواند چنین برداشت کند که تصویر دو مارا تن کیش، ایران را کشوری ضعیف نشان داده؟ یا اینکه با افتخار می‌توانیم بگوئیم با وجود این همه تحریم، با وجود جنگ و با وجود همه مصائب، کسی نمی‌تواند ما را به زانو درآورد. حالا آن دو خبر را بگذارید کنار اینکه از «تشکیل پرونده قضایی برای مسئولین و برگزارکنندگان مارا تن کیش» خبر داده‌اند. انصافاً آن تصویری که شادمانی مردم را در این مسابقه نشان می‌دهد، حاکی از قدرت ایرانیان است یا خبر تشکیل این پرونده؟ دشمنان این مرز و بوم را کدامیک از این دو تصویر ناامید می‌کند، اینکه بعد از ۱۲ روز جنگ با دو قدرت اتمی جهان، مردم ایران شادمانند یا این خبر که دادستان از تشکیل پرونده برای مسئولان و برگزارکنندگان همین مارا تنی که اینقدر تصویر شاد از ایران مخابره کرده؟ واقعاً کدامیک از این دو تصویر به نفع ایران و کدامیک به ضرر ایران است؟ برای همین بود که بالاتر نوشتیم که انگار بعضی اصرار دارند که حتی بدیهیات را هم متوجه نشوند. در جنگ ۱۲ روزه آنچه بیشتر از همه عیان شد، موضوع نفوذ تا مغز استخوان‌مان بود، همان که فرماندهان عزیزمان را از ما گرفت. نمی‌دانم آن ۱۵۵ امضا که انگار اصرار است تا دوباره کشور را به شرایط ملت‌ب ۱۴۰۱ بازگرداند یا این تشکیل پرونده را به چه تعبیر کنیم، ولی واقعاً حیرت‌انگیز است که بعضی تلاش دارند تا به جای تصویر شادمانی و قدرت ایران و ایرانیان، تصویر تعارض بین ساختار و مردم را به جهان مخابره کنند. لطفان آن تصویر که دشمنان این آب و خاک را ناامید می‌کند خراب نکنیم. شادمانی و قدرت این مردم است که دشمنان را پشیمان می‌کند و نه هیچ چیز دیگر. قدر شادمانی مردم را بیدانیم.

تیتریک

HEADLINE ONE

۲



مراسم سال گذشته روز دانشجو، عکس: احمد معینی جم/ایرنا

بررسی وضعیت جنبش دانشجویی در سالروز ۱۶ آذر

دانشگاه زنده است؟



محسن صالحی‌خواه

گزارشگر هم‌میهن

شود. در طرح تمام این مسائل، احتمالاً پزشکیان کنایه‌هایی به خصوص از سوی دانشجویان منتقد خود بشنود. هر چند با توجه به وضعیت کشور و شرایط بی‌تصمیمی، بعید نیست این کنایه‌ها از سوی حامیان فعلی و قطع‌امیدکرده از پزشکیان هم نسبت به او ابراز شود.

▼ انتظاری که از پزشکیان وجود دارد



با چنین وعده‌ای از سوی پزشکیان و علاوه بر موضوع حذف نگاه امنیتی به دانشجویان و اساتید، احیای نهاد دانشگاه و خارج کردن آن از حالت تزئینی هم موضوعی است که مورد توجه و دقت قرار می‌گیرد و بدون شک این انتظار از پزشکیان وجود دارد. موضوعی که غلامرضا ظریفیان، معاون وزارت علوم دوران اصلاحات در گفت‌وگوی اخیرش با ایرنا به آن اشاره کرد: «آقای پزشکیان یکی از چهره‌های دانشگاهی است و علاوه بر این، سوابق فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی در دانشگاه را نیز دارد و طبیعی است که نگاه وی و دولتش به دانشگاه مثبت است. اما به طور کلی هر ساختی چند شاخصه کلیدی دارد که اگر از وی گرفته شود از هویتش تهی می‌شود مثلاً اگر از انسان نطق یا خرد وی را بگیریم دیگر انسان نیست. دانشگاه نیز در تعریف جهانی دو شاخصه اساسی دارد که اگر آن دو شاخصه را به رسمیت نشناسیم، نمی‌تواند نقش‌های توسعه علمی و اجتماعی خود را ایفا کند.»

او اضافه کرد: «اولین شاخصه، خودگردانی نهاد دانشگاه است. در جهان پذیرفته شده که دانشگاه به عنوان اجتماع نخبگان این حق را دارد که قوانین و مقررات خود را در مسائلی مانند گزینش استاد، تعیین فصول دانشگاهی، تعیین اولویت‌های علمی، پارک‌های علم و فناوری - البته با تکیه بر قوانین بالادستی - وضع کند. مسئله استقلال جزئی از امور ذاتی دانشگاه است زیرا اگر این نهاد فاقد استقلال باشد نمی‌تواند از چابکی لازم برای حل مسائل جامعه بهره‌مند شود. مثلاً اگر دانشگاه این امکان را نداشته باشد که به سرعت یک استاد خوب را استخدام کند، آن استاد بلافاصله به استخدام کشورهای دیگری درمی‌آید.»

ظریفیان تأکید کرد: «دومین شاخصه، آزادی آکادمیک است. دانشگاه یک حزب یا بنگاه سیاسی نیست بلکه کانون فهم مسئله و حل مسئله است و باید بتواند مانند یک پزشک با مسائل بر خورد کند، بیمار خودش را در اختیار پزشک قرار می‌دهد تا وی بتواند فهم درستی از مسئله پیدا کند و سپس به راحتی آن مسئله را به بیمار بگوید البته جامعه ما بیمار نیست اما نیازمند توسعه است.»

▼ فضای دانشگاه یخ‌زده است

سعید معیدفر، جامعه‌شناس و استاد بازنشسته دانشگاه تهران درباره وضعیت فعلی فضای سیاسی دانشگاه به هم‌میهن گفت: «برای اندازه‌گیری این شاخص باید آن را در مقایسه با دوره‌های دیگر قرار بدسیم. در مقایسه با دوران اصلاحات، فضای دانشگاه امروز بسیار بسته و تنگ است. عملاً فضای سیاسی برای دانشجویان فراهم نیست و بچه‌ها بیشتر به کارهای دانشگاهی خودشان مثل فعالیت در انجمن‌های علمی مشغولند. اگر هم فعالیت سیاسی کنند، معمولاً رانده یا خوانده می‌شوند. البته فضای کار سیاسی در مجموعه بسیج دانشجویی وجود دارد و حمایت می‌شود. اما اگر دانشجویان بخواهند مثلاً در نقد سیاست‌ها یا ساختار فعالیت یا اظهارنظری داشته باشند، تقریباً فضا صفر است. مشکلاتی برایشان پیش می‌آید و ممکن است درگیر پرونده‌سازی و این مسائل شوند. البته در سطوح نظری یا تحلیل مسائل جهانی هم کارهایی صورت می‌گیرد. بستگی به این دارد که تعریف‌مان از فعالیت سیاسی چه باشد.»

او درباره تغییر فضای دانشگاه در دوره پزشکیان گفت: «بدون تعارف بگویم که فضای دانشگاه قبل از آقای پزشکیان تبدیل به فضایی پادگانی شده بود. مدیریت دانشگاه بدون تأیید و اجازه برخی نهادها مانند حراست و بسیج دانشجویی آب نمی‌خورد. نمی‌شود گفت این فضا در یک سال گذشته به صورت کامل تغییر کرده اما فضای ۱۰۰ درصدی پیشین، تا حد رسیدن به ۶۰-۷۰ درصد، اصلاح شد. اما فضا را اگر با دوران پیش از احمدی‌نژاد و دانشگاه دوران اصلاحات مقایسه کنیم، از آن دوران خیلی عقب است. در واقع شرایط امروز دانشگاه، درخز از دیروز است.»

۱۶ آذری دیگر رسید و از امروز مراسم گرامیداشت روز دانشجو، در دانشگاه‌های سراسر کشور برگزار می‌شود. مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور برای شرکت در مراسم روز دانشجو به دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی می‌رود. بر اساس اعلام مسعود حبیبی، معاون فرهنگی و دانشجویی وزارت بهداشت، در این برنامه ۱۴ نماینده دانشجوی شامل گروه‌های فرهنگی، انجمن‌های صنفی دانشجویی، نماینده اتحادیه‌های دبیران، اتحادیه‌های تشکل‌های دانشجویی، بسیج دانشجویی، انجمن دانشجویان مستقل، دفتر تحکیم وحدت، جامعه اسلامی، شوراهای صنفی دانشگاه‌ها، انجمن علمی، نشریات دانشجویی، جنبش عدالت‌خواه دانشجویی، کانون‌های فرهنگی و هنری صحبت خواهند کرد.

▼ دانشگاهی که پزشکیان خواهد دید

اصلاح وضعیت دانشگاه یکی از معدود وعده‌هایی بود که پزشکیان در جریان انتخابات ۱۴۰۳ مطرح کرد. دانشگاه در فاصله سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۳ با موضوع تصفیه دانشجویان و اساتید روبه‌رو شده بود که این نهاد مدنی را بیش از پیش تحت فشار و محدودیت می‌گذاشت. پزشکیان در آن زمان این وعده را مطرح کرد که علاوه بر بازگرداندن اساتید و دانشجویان به خانه خودشان، فضای این نهاد را هم به حالت عادی برگرداند. این که چقدر این فضا تغییر بر پزشکیان به قول خود عمل کرده یا موفق شده به این وعده پایبند باشد، موضوعی است که باید اهالی دانشگاه آن را تحلیل کنند. اما نگاهی جامع به این نهاد مؤثر در فضای سیاسی و اجتماعی کشور نشان می‌دهد که به دنبال اعمال فشار بر این فضا طی سال‌های گذشته و تحولاتی که در کشور رخ داد، کارکرد دانشگاه و فضای مطالبه‌گری در آن به شکل قبل وجود ندارد. در واقع این مرور نشان می‌دهد که بیشتر نوع خاصی از ابراز نظر در راستای حمایت از سیاست‌ها و ساختار سیاسی و نه نه نقد آن‌ها، در فضای دانشگاه امکان اظهار وجود پیدا می‌کند.

پزشکیان در شرایطی به دانشگاه می‌رود که کشور از همه لحاظ در وضعیتی خاص قرار گرفته است. کشور وضعیت اقتصادی بحرانی را پشت سر می‌گذارد و در حال حاضر چشم‌انداز خاصی برای تغییر وضعیت یا خروج از این شرایط در گفتار تحلیل‌گران و ناظران حوزه اقتصادی وجود ندارد. امروز که پزشکیان پشت تریبون دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی قرار می‌گیرد، قیمت ارز در سقف تاریخی خود ایستاده، طلا و سکه صعودی هستند و سفره مردم هر روز کوچکتر می‌شود. مسئله معیشت موضوعی نیست که از چشم‌پنهان باشد یا کسانی بتوانند آن را نسبی و محدود بدانند. مطالبه حل مسائل معیشتی، زندگی عادی و حل بدیهی‌ترین مشکلات مردم، این روزها بالاتر از هرگونه مطالبه سیاسی می‌ایستد و حتی ایده‌هایی که برخی فکر می‌کنند امکان در شرایط فعلی گشایشی ایجاد کند، در نهایت برای برآورده کردن همین مطالبه است.

آن رساله گذشته در یکی از میزگردهای انتخاباتی، این جمله را روی آنتن زنده گفته بود: «مردم از ما یک زندگی معمولی می‌خواهند که آن را برایشان حرام کردیم، باید با انسان‌هایی که آگاه هستند مشورت کنیم و نسخه‌ای برای مشکلات بنویسیم.» شاید این جمله از سوی دانشجویان خطاب به رئیس‌جمهور بازگو نشود اما احتمالاً این موضوع به او گوش‌زد می‌شود که قرار بود با نسخه‌نویسی بر اساس نظرات کارشناسی، مشکلات مردم به سمت حل شدن پیش برود. هر چند به‌طور طبیعی حل مشکلات با نسخه‌های صحیح در گرو گذر زمان است اما جامعه نشانه‌ای از بهبود مشاهده نمی‌کند بلکه شاهد نشانه‌هایی خلاف این جهت است.

اگر بخواهیم از روی تقویم به این حضور نگاه کنیم، دومین حضور او در دانشگاه به عنوان رئیس‌جمهور است اما اولین حضور پس از جنگ ۱۲ روزه و تمام رخ‌دا‌های پس از آن نیز محسوب می‌شود. در چنین فضایی، می‌توان انتظار داشت که بخشی از صحبت‌های دانشجویان حول محور موضوع سیاست خارجی، برنامه هسته‌ای، مسئله مذاکره با آمریکا و شرایط «نه جنگ، نه صلح» باشد. حدوداً دو هفته قبل فشارهای رسانه‌ای و سیاسی برای اجرای قانون عفاف و حجاب بر دولت بیشتر شده و احتمالاً این موضوع به عنوان مطالبه دانشجویی نیز مطرح

نگاه حقوقدان

حقوق دانشگاهیان در تلاطم امواج سیاست



ابراهیم ایوبی

وکیل دادگستری

امروز ۱۶ آذر، مصادف با هفتادودومین سالگرد «روز دانشجو» است. به رسم معمول، تجمعاتی در دانشگاه‌ها برگزار و شعارهایی در هیاهو داده می‌شود و سرانجام مراسم با سرود «یار دبستانی من...» پایان می‌یابد. البته که به مرور این بزرگداشت کم‌رنگ گردیده است. رئیس‌جمهور مثل همیشه یک سخنرانی دارد که محل دانشگاه با توجه به رویکرد دولت انتخاب می‌شود. انتخاب دانشگاه علوم پزشکی شهیدبهشتی، بی‌ارتباط با پزشک بودن پزشکیان نیست. اگر از زاویه نظام حقوقی به دانشگاهیان (دانشجو، استاد و نهاد دانشگاه) نگاه کنیم؛ حقوق دانشگاهیان در این چند دهه رو به افول بوده که موضوع باگاه‌شماری تاریخی وقایع قابل بررسی است.

اولین موج ورود سیاست به فضای علم، انقلاب فرهنگی بود. از اوایل بهار ۱۳۵۹ کم‌کم دانشگاه‌ها تعطیل شد و این دوران تا شروع بازگشایی در ۲۷ آذر ۱۳۶۱، سی ماه به طول انجامید. استادان برجسته‌ای نیز در همین ایام از دانشگاه اخراج شدند. یکی از سرشناس‌ترین چهره‌ها دکتر امیرناصر کاتوزیان استاد دانشکده حقوق دانشگاه تهران بود که نقش تعیین‌کننده‌ای در تهیه پیش‌نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران داشت، وی در کتبه خاطرات خود می‌نویسد: «سرانجام، نظری که دانشگاه را مزاحم و مانع پیشرفت انقلاب می‌دانست به کرسی نشست و آموزش عالی کشور از حرکت باز ایستاد. بیشتر استادان پراکنده شدند یا به خارج از کشور پناه بردند و رنج غربت را بر بی‌مهری وطن ترجیح دادند...».

سال‌های بعد نیز این بی‌مهری‌ها به اشکال دیگر جریان داشت که یک نمونه دیگر اخراج دکتر سیدجواد طباطبایی، اندیشمند برجسته علم سیاست از دانشگاه در اوایل دهه هفتاد است. با شروع دوران اصلاحات، جنبش دانشجویی جان تازه‌ای گرفت اما این تب و تاب بیش از دو سال به طول نینجامید و با حمله به کوی دانشگاه تهران همه چیز به محاق رفت. پس از برگزاری دادگاه متهمین حمله به کوی، همه متهمان تبرئه شدند، جز یک سرباز وظیفه که به جرم سرقت ریش‌تراش محکوم شد. سال‌ها پیش برای پیگیری پرونده‌ای به یک کلاتری در شمال تهران رفته بودم که مشاهده کردم فرد یادشده به عنوان معاون کلاتری مشغول کار